

پول آفرینی؛ راهکار فرهنگی دولت برای حل مشکل بیکاری

آقای روحانی، رئیس‌جمهور منتخب، مهم‌ترین اقدام دولت دوازدهم را رفع بیکاری عنوان کرده است و اکنون در آغاز کار دولت جدید به همت بخشی از یاران ایشان در کسوت مدیران و مسئولان فرهنگ و هنر و سینما در این زمینه گام‌هایی چشمگیر و درخشان برداشته شده است!

لطفاً به دور و بر خود توجه و دقت کنید؛ چندین جشن پاره زرد و تشریفاتی، تجملاتی و اشرافی در قالب هنر و فیلم با عناوین سبز، زرد و قرمز و بقیه رنگ‌ها با پول بیت‌المال در حال برگزاری و یا در شرف برگزاری است. جشن پاره‌هایی گرچه بی‌ربط با فرهنگ و هنر و بدون هیچ نقش و تأثیر بر زندگی و کار هنرمندان و مردم و اوضاع فرهنگی و اجتماعی، ولی شادی‌بخش و پول آفرین برای عده‌ای! آیا این همه تلاش و اهتمام برای ایجاد نشاط و جشن، دورهمی و شادی و خنده جای تشکر و تحسین ندارد؟!

آن وقت بعضی گلابی می‌کنند و می‌گویند که کشور شده خانه احزان و امید و شادی از میان مردم پر کشیده است!معلوم نیست مسئولان محترم باید به کدام ساز ما برسند، حالا هم که کلی پول کود کرده و آن را برای شادمانی مردم خرج برگزاری جشن و دورهمی می‌کنند، باز هم گلابی می‌کنیم! ما واقعا انسان‌هایی قدرناشناس هستیم!

نکته مهم اینکه، اگر این جشن پاره‌ها و بریز و پهباش‌ها و حیف و میل‌ها جنبه کارآفرینی و خدمت‌ندار، اما در راستای ایجاد اشتغال و بیکاری ستیزی است و دست‌کم برای جماعتی از مسئولان و مدیران فرهنگی و اجتماعی و گروهی از دست‌اندر کاران نان به نرخ روز روزه سینما که به نوعی کارمند دولتی سینما محسوب می‌شوند، پول آفرین است، کجای این کار بد است؟! در واقع صرف میلیاردها تومان پول مردم که خود درگیر انواع مشکلات هستند، برای برگزاری این جشن‌پاره‌ها که عنوان سینماییم هم دارند، اقدامی شوکه‌مند در رأس امور فرهنگی و اجتماعی دولت محترم دست‌مزد است مریزاد!

جبارآدین

آی فیلم، شبکه‌ای که با مخاطب تعامل دارد

هجدهم شهریور هر سال، برگی نو در دفتر فعالیت شبکه آی فیلم ورق می‌خورد. این شبکه که در مناسبت عید فطر سال ۱۳۹۸ افتتاح شد ، امسال هم در یک مناسبت عیدانه دیگر یعنی عید غدیر خم، هفتمین سالگرد تأسیس خود را گرامی داشت. هفت سال از ۸۹ شهریور ۸۹ که شبکه آی فیلم عربی به عنوان نخستین شبکه تخصصی فیلم و سریال رسانه ملی تأسیس شد، می‌گذره شبکه‌ای که بخش فیلم‌ها و سریال‌های ایرانی برای جهان در تمام طول ساعات شبانه روز را هدف خود اعلام کرد و حدود ۳۰۰ میلیون نفر را در گستره مخاطبان هدف خود داشت تا با نمایش آثار داستانی ایرانی، فرهنگ و سبک زندگی ایرانی – اسلامی را به آنها معرفی کند.

در سال ۱۳۹۰ کانال فارسی شبکه آی‌فیلم و در اسفند ۱۳۹۱، کانال انگلیسی شبکه آی‌فیلم کار خود را آغاز کردند و گستره دربرگیری این شبکه افزایش یافت.

طی سال‌های اندک سیری نشده از عمر این شبکه، آی‌فیلم با شناسایی ذائقه مخاطبان، ظرفیت‌سنجی نحوه حضور موفق تر در ساعت‌های پر مخاطب یافت جغرافیایی هر بخش از پهنه گسترده مخاطبان خود، دوبله حرفه‌ای فیلم و سریال‌های ایرانی، چیدمان هوشمندانه و هدفدار کنداکتور و توجه به علاقه‌مندی‌ها و فرآگیر کردن دامنه مخاطبان خود با توجه به حتی اقتضای سلیقه و تمایز بینگانه‌ها و سلیقه‌ها مناسب این رده سنی، لحاظ تنوع در گونه‌ها و حتی موضوعات و مضامین آثار نظیر تثبیت یک سریال طنز در روز روز در جدول پخش این برنامه و… همان گونه که هدف خود را «شبکه نمایش برای خانواده» عنوان کرده بود، جای خود را در میان خانواده‌های عرب زبان هدف خود باز کرده است.

مخاطبان داخلی این شبکه نیز کم نیستند و نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد آی فیلم در عین حال، یکی از شبکه‌های دارای بیشترین علاقه‌مند از میان مخاطبان وطنی است.نوستالژی تماشای فیلم و سریال‌هایی که به نوعی محل و دربردارنده احساسات، شرایط زیست اجتماعی، اوضاع زمانه و دربردارنده رنگ و بوی گذر جامعه ایرانی از مقاطع و تحولات تاریخی و اجتماعی و فرهنگی گوناگون هستند، افراد نردن دسترسی آسان به آثار نمایشی گوناگون و فرصتی برای ارتباط برقرار کردن هر چه عمیق‌تر با مضامین این داستان‌ها در تکرار تماشا… همواره این شبکه را به لحاظ اقبال و شمار مخاطب پشتیبانی کرده است.

از دیگر سو کانال انگلیسی این شبکه نیز که به شکل حرفه‌ای به دوبله آثار نمایشی ایرانی و پخش آنها مشغول است، کم توفیق نبوده و به عنوان نمونه در دو سال متوالی ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ نامزد بهترین کانال سبک زندگی در بین تمامی شبکه‌های بازبان‌های مختلف از پخش ماهواره وب‌تل‌نت شد.

جوان

روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌وران نشر روز مدیرعامل و مدیر مسئول: عبدالله گنجی

سر دبیر: غلامرضا صدقیان

آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری

مقاطع میزبای شیرازی، پلاک ۳۸۴

سازمان آگهی‌ها: ۸۸۴۹۸۴۷۳

روابط عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۸، شماره: ۶-۸۸۴۵۶۳۳۴

توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۷۷-۷۶-۸۸۴۹۸۴۷۵

چاپ تهران؛ چاپخانه روزنامه جوان

www.javanonline.ir

روزنامه جوان | شماره ۵۱۸۵ | دوشنبه ۲۰ شهریور ۱۳۹۶ | ۲۰ذی‌الحجه ۱۴۳۸ | اذان ظهر: ۱۳:۰۱ | غروب آفتاب: ۱۹:۱۷ | اذان مغرب: ۱۹:۳۶ | نیمه‌شب شرعی: ۰۱:۰۸ | اذان صبح فردا: ۵:۱۹ | طلوع آفتاب فردا: ۶:۴۵

حکمت ۱۰۷

رَبِّ عَالَمٍ قَدْ قَاتَلَتْهُ جَهَنَّمُ، وَعَلِمَتْ مَعَهُ لَا يُنْفَعُهُ.

چه بسیار دانشمندی که جهش او را

کنسته، در حالی که علمش با اوست‌اما به

حالت سودی نمی‌بخشد.

www.javanonline.ir

حسین شمشقدری کارگردان مستند «انقلاب جنسی» در گفت‌وگو با «جوان»:

بی‌بندوباری جنسی در غرب بیشتر جنبه توریستی و کسب در آمد دارد



■ **محمدصادق عابدینی**

موضوعی که در مستند «انقلاب جنسی» به آن پرداخته شده، همان طور که از نام مستند مشخص است، آنقدر خاص و خط قرمز ی است که شاید بردن نام آن در برخی خانواده‌ها و محافظ‌گرو حرف‌های مگو و محرم‌های غیر قابل ورود و یادمانده موضوعی است که نه تنها ایران بلکه همه دنیا با آن دست‌به‌گرمی‌ان است. حسین شمشقدری مستندسازی که با ساخت «میراث آلبتر تا» به شهرت رسید، این بار نیز دست‌به‌مقایسه‌ای میان آنچه در غرب بر سر مسائل جنسی آمده و آنچه پیش روی جامعه ایران است، زده است. این مستندساز در گفت و گو با «جوان» درباره مستندش توضیحاتی داده است.
بعد از «میراث آلبتر تا» و «سسی و سه سال سکوت» باز هم سراغ موضوعی در غرب رفته‌ای، دوباره شاهد مقایسه میان آنچه در غرب می‌گذرد و آنچه در ایران است، شکر کنید.
غرب مستندهایت به خوبی‌هایی که در غرب هست نگاه می‌کنی و این خلاف‌نظری است که می‌گوید همه غرب بد است یا اینکه همه غرب خوب است، چرا این نوع نگاه را انتخاب کرده‌ای؟

علت اصلی‌اش این بود که خودم نیز در اوایل نگاه خوبی نسبت به غرب نداشتم. مخصوصاً از اینکه نخبران جامعه‌مان به غرب مهاجرت می‌کنند، ناراحت بودم. اما وقتی که خودم از نزدیک با غرب و جامعه‌شان روبه‌رو شدم، دیدم خوبی‌هایی دارند که توانسته‌اند سطح جامعه‌شان را تا حدی بالا ببرند که بتوانند پهنای این خیمه را مارا جذب کنند. غرب مجموعه‌ای از خوبی‌ها و بدی‌ها است و نمی‌شود گفت صرفاً خوب یا بد است. در موضوع آزادی‌های جنسی هم به‌نظرم الان ما در نقطه‌ای هستیم که جامعه غربی حدود ۲۰۰ سال پیش در آن حضور داشت و می‌خواهیم مقایسه کنیم میان مسیری که آنها رفته‌اند و مسیری که پیش روی ما است.

مستند را با عکس‌های قدیمی شروع می‌کنی و به‌نظرم تنها دلیلی که برای اثبات اینکه ما در مسیر غرب هستیم می‌آوری این است که مثلاً در عکس‌های حدود ۱۰۰ یا ۱۵۰سال پیش زنان غربی هم با حجاب بوده و روسری داشته‌اند، آیا این برای نشان دادن اینکه ما به سرنوشت غرب دچار می‌شویم کافی است؟

به‌نظرم همین کافی بود، وقتی نوع پوشش جامعه غربی را نشان می‌دهیم نشان دهنده روابط اجتماعی آن جامعه است. در آن زمان روابط اجتماعی بسیار سختگیرانه و محدودت‌های زیادی در جامعه غربی بوده که تخطی از آنها توبیخ‌های قضایی را به همراه داشته است و حتی این قوانین موضوع بزرگی است که جای پرداخت دارد.

ماهیچ اثری از آنها در گذشته نمی‌بینیم، به‌نظرم می‌رسد مسیری که غرب پیشتر می‌رفته بسیار فراتر از موضوع پوشش بوده، تغییرات سیاسی، تکنولوژیک و حتی دگرگونی در ساختار اقتصاد جامعه هم مؤثر بوده!

ما می‌خواستیم طرح موضوع اولیه داشته باشیم و به‌نظرم همین پرداخت‌به حجاب روسری به اندازه کافی تکان‌دهنده بود. می‌شود این ایراد را گرفته به

جوان در شب

جوان در شب

جوان در شب

جوان در شب

جوان در شب

جوان در شب

جوان در شب

جوان در شب

جوان در شب

جوان در شب

جوان در شب

جوان در شب

جوان در شب

جوان در شب

جوان در شب

جوان در شب

جوان در شب

جوان در شب

جوان در شب

جوان در شب

جوان در شب

جوان در شب

جوان در شب

جوان در شب

جوان در شب

جوان در شب

جوان در شب

جوان در شب

جوان در شب

جوان در شب

جوان در شب

جوان در شب

جوان در شب

جوان در شب

جوان در شب

جوان در شب

جوان در شب

جوان در شب

جوان در شب

جوان در شب



■ **جواد محرمی**

آنها که شناختی نسبی از جشنواره‌های غربی و رویکردهای‌شان دارند، با تماشای فیلم «بدون تاریخ، بدون امضا» در جشنواره سسی و پنجم فجر ناخودآگاه ذهن‌شان به سمت جشنواره

وینیز می‌رفت؛ جشنواره‌های کسه بیش از سایر جشنواره‌های غربی، حتی بیش از برلین و کن به آثار تلخ سینماگران جهان رسوم علاقه نشان می‌دهد. سینمای ایران سال‌هاست دچار نوعی رئالیسم افراطی است؛ رئالیسمی که بر پیکره افکار و آرای سینماگران ایرانی جنبه زده و ظاهراً به این زودی‌ها امیدوار برای خلاص شدن از آن نیست. بارها در این باره نوشتیم که سینمای ایران به جای پدیاها، به‌هست‌ها چسبیده است، آن هم نه همه واقعیت بلکه تنها بخشی از آن و اتفاقاً جشنواره‌های غربی نیز مشتری همین واقع‌نمایی‌های فراگیر نیست. برای همین هم زیاد به آن نپرداختیم.

چطور می‌بینید؟

در غرب بی‌بندوباری جنسی مانند آنچه در خیابان «چراغ قرمز» دیدیم بیشتر جنبه توریستی و کسب در آمد دارد. در انتهای فیلم که تولید قسمت دوم «انقلاب جنسی» اشاره کردید، به‌نظر می‌رسد مخاطب هنوز جواب سؤال‌هایش را نگرفته و منتظر است در قسمت بعدی جواب‌هایش را بگیرد، این اتفاق به اینکه ببیننده نتواند جمع‌بندی از مستند داشته باشد، نمی‌آیند؟

این را قبول ندارم که مخاطب نمی‌تواند به یک نتیجه‌گیری کلی از مستند برسد. ما برای ایجاد جذابیت و پیگیری قسمت بعدی سؤال‌هایی را مطرح کرده‌ایم ولی مستند دارای چارچوب و ساختاری است که در آن به جواب آنچه در فیلم مستند به آن پرداخته‌ایم می‌رسد. در طول فیلم شاهد آن بودیم که کشور آذربایجان مواردی را به نام خود در یونسکو به ثبت رسانده است که ریشه در فرهنگ ایران دارد که از آن جمله می‌توان به «تار»، «چوگان» و «دلمه» اشاره کرد. بعد از ثبت جهانی تار ترکی از سوی آذربایجان در سال ۱۳۹۱، جلساتی با دفتر موسیقی در دفتر ثبت آثار تاریخی برگزار شد و در این راستا تهیه پرونده‌های ثبت جهانی به کارشناسان این دفتر تخصصی آموزش داده و در نخستین قدم پرونده «کمانچه» تهیه شد. بعد از این اتفاق، در آذر سال ۱۳۹۲، آذربایجان بازی چوگان را در یونسکو به نام خود به ثبت رساند و دوباره موجی از اعتراضات روانه سازمان میراث فرهنگی شد. این بار اعلام شد که ایران می‌تواند تار و چوگان را در یونسکو به نام خود ثبت کند. بر این اساس، در جلسه آتی یونسکو در کره جنوبی، قرار است پرونده «هنر نواختن و ساختن کمانچه» و «چوگان بازی سوار بر اسب همراه روایتگری و موسیقی» بررسی شود.

البته فرهاد نظری، مدیر کل دفتر ثبت آثار تاریخی اوایل امسال اعلام کرده بود که قرار است پرونده «کمانچه» به‌صورت مشترک با کشور آذربایجان به یونسکو معرفی شود.اما در جدیدترین اخباری که از ثبت جهانی آن منتشر شده، خبری از آذربایجان به میان نیامده است.

کمانچت

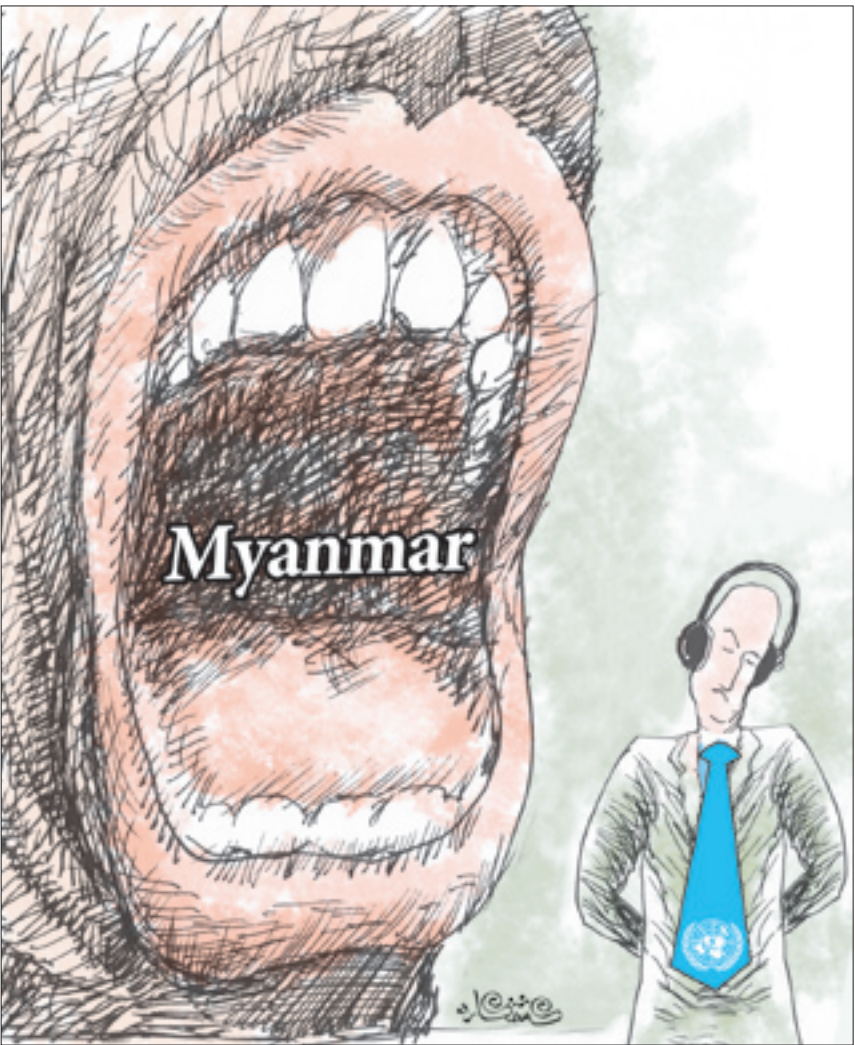
پرونده کمانچه و چوگان ایرانی در دوازدهمین اجلاس میراث ناملموس یونسکو بررسی می‌شود

ثبت جهانی کمانچه و چوگان ایرانی قرار است در دوازدهمین اجلاس میراث ناملموس یونسکو بررسی شود. این در حالی است که دوباره نامی از کشور جمهوری آذربایجان نیز دیده می‌شود. در سال‌های گذشته شاهد آن بودیم که کشور آذربایجان مواردی را به نام خود در یونسکو به ثبت رسانده است که ریشه در فرهنگ ایران دارد که از آن جمله می‌توان به «تار»، «چوگان» و «دلمه» اشاره کرد. بعد از ثبت جهانی تار ترکی از سوی آذربایجان در سال ۱۳۹۱، جلساتی با دفتر موسیقی در دفتر ثبت آثار تاریخی برگزار شد و در این راستا تهیه پرونده‌های ثبت جهانی به کارشناسان این دفتر تخصصی آموزش داده و در نخستین قدم پرونده «کمانچه» تهیه شد. بعد از این اتفاق، در آذر سال ۱۳۹۲، آذربایجان بازی چوگان را در یونسکو به نام خود به ثبت رساند و دوباره موجی از اعتراضات روانه سازمان میراث فرهنگی شد. این بار اعلام شد که ایران می‌تواند تار و چوگان را در یونسکو به نام خود ثبت کند. بر این اساس، در جلسه آتی یونسکو در کره جنوبی، قرار است پرونده «هنر نواختن و ساختن کمانچه» و «چوگان بازی سوار بر اسب همراه روایتگری و موسیقی» بررسی شود.

البته فرهاد نظری، مدیر کل دفتر ثبت آثار تاریخی اوایل امسال اعلام کرده بود که قرار است پرونده «کمانچه» به‌صورت مشترک با کشور آذربایجان به یونسکو معرفی شود.اما در جدیدترین اخباری که از ثبت جهانی آن منتشر شده، خبری از آذربایجان به میان نیامده است.

www.javanonline.ir

چوگان بازی، آذربایجان، تاریخ، ایران



آیا باید از جایزه‌های فیلم «بدون تاریخ، بدون امضا» در جشنواره وینز خوشحال باشیم؟

رئالیسم افراطی باز هم برای سینمای ایران جایزه آورد

نمایاننده جشنواره فیلم بدون تاریخ

می‌شد و در مقابل وام‌های کلان به فیلم‌هایی اختصاص می‌یافت که به جامعه امید تزریق می‌کرد. چند دهه بعد سیاست‌های دولت‌های وقت ایتالیا زمینه صدور مکتب نئورئالیسم را به کشورهای داغ‌بهار و انقلابی در جهان سوم فراهم نمود تا فیلمسازان جوان و جوانی نام با الگوگیری از این سینما محتوای آثار خود را بر بزگنمایی زشتی‌های هرچند معدود کشورهای خود استوار کنند.

جشنواره فیلم وینیز نیز به‌ویژه در دهه اخیر با انتخاب‌هایی که از سینمای ایران داشته به وضوح حرکت بر مدار اینس کارویژه معین را فراهم کرده است. «دایره» ساخته جعفر پناهی، «خانه پدری» ساخته کیانوش عیاری، «قصه‌ها» به کارگردانی رخشان بنی‌اعتماد و مستند «روزهای سبز» حنا مخملباف، تعدادی از آثاری است که جشنواره وینیز طی دهه اخیر به آنها‌روی خوش نشان داده و زمینه دیده شدن آنها درغرب را فراهم کرده است.

اوج گرفتن جنگ سرد و ادعای مخالفان این فیلم‌ها مبنی بر وجود انگیزه‌های ایدئولوژیک و چپ در آنها، این محدودت‌ها را به اوج خود رساند و به این ترتیب، دوران افول این جنبش از راه رسید. فیلم‌های «نئورئالیستی» معمولاً قاب‌های ناآرسته و فی‌البداهه دارند. روسلینی در مصاحبه‌ای در این باره می‌گوید «اگر به اشتباه نمای زیبایی بگیرم، حتماً هنگام تدوین آن را بیرون خواهم کشید.» معمولاً تصویربرداری به سبک فیلم‌های مستند انجام می‌گیرد و دوربین سعی در نشان دادن واقعیت بدون دستکاری دارد. از این رو گاهی از دوربین روی دست استفاده می‌شود. زرد دوچرخه‌اثر دسسیکا یکی از فیلم‌هایی است که به‌بترین شکل فروپاشی اجتماعی و اخلاقی را در ایتالیا پس از جنگ به تصویر می‌کشد.

سینمای ایران در سال ۲۰۰۰ با فیلم «دایره» ساخته جعفر پناهی موفق به کسب جایزه شیر طلایی جشنواره فیلم وینیز شد؛ فیلمی که روایتگر داستان چهار زن است که از زندان گریخته‌اند و سرنوشت متفاوتی را تجربه می‌کنند. فرشته، مانده، الهام و ترگس هر یک به دنبال پناهگاهی برای خود هستند. مانده خیلی‌زود به دست پلیس دستگیر می‌شود. الهام قصد بازگشت به شهر خود را دارد که به علت مواعد متعدد عملاً ممکن نیست. فرشته که از طرف خانواده طرد شده درصد سقط جنین فزندی است که پدرش اعدام شده است و… فیلم دایره را همان زمان معاون سینمایی وقت سیفاله داد توقیف کرد.

قصه‌های رخشان بنی‌اعتماد دیگر اثری است که سال گذشته جایزه بهترین فیلمنامه را از این جشنواره به خود اختصاص داد. همچنین خانه پدری که روایت قتل فجیع دختری به دست پدرش است و به دلیل خشونت‌عریان و دلخراش آن در ایران اجازه نمایش عمومی نیافت از دیگر آثار راه‌یافته به جشنواره فیلم وینیز است. بدیهی است که همه این آثار تصویری عقب‌مانده و منحط از جامعه ایران به‌نمایش درمی‌آید که علی‌الظاهر مستتر بر واقعیت به تصویر آمده‌اند، با این تفاوت که تماشاگر داخلی به دلیل مشاهده مستقیم واقعیت جامعه به وضوح محتوای این آثار را به کل جامعه ایران تعمیم نمی‌دهد اما مخاطب خارجی به راحتی تصور نمی‌تواند این آثار را به کل جامعه ایران تعمیم می‌دهد.

در سینمای وحید جلیلوند برخلاف سینمای نئورئالیسم ایتالیا روح عدالت‌طلبی غلبه ندارد.او در آثار خود بیش از اینکه معترض ضعف عدالت اجتماعی و تبعیض طبقاتی باشد مانند اغلب فیلمسازان جشنواره‌های ایران صرفاً به فقر به‌عنوان دستمایه‌ای مناسب برای دیده شدن در جشنواره‌های غربی توجه دارد؛ فقری که بازنمایی آن مانند فقر در بچه‌های آسمان مجید مجیدی ترغمت‌مانده نیست بلکه تا حد زیادی ریاکارانه است. کاش افتضاح آنگ سان سوچی لااقل سبب تغییر نگاه به جوایز غرب شود و ما جهان‌سومی‌ها همه مدال‌های اهدایی از سوی غرب را مصداق درخشیدن ندانیم.

مجید مجیدی، جشنواره وینز

مجید مجیدی، جشنواره وینز

مجید مجیدی، جشنواره وینز

مجید مجیدی، جشنواره وینز

مجید مجیدی، جشنواره وینز

مجید مجیدی، جشنواره وینز

مجید مجیدی، جشنواره وینز

مجید مجیدی، جشنواره وینز

مجید مجیدی، جشنواره وینز

مجید مجیدی، جشنواره وینز

مجید مجیدی، جشنواره وینز

مجید مجیدی، جشنواره وینز

مجید مجیدی، جشنواره وینز

مجید مجیدی، جشنواره وینز

مجید مجیدی، جشنواره وینز

مجید مجیدی، جشنواره وینز

مجید مجیدی، جشنواره وینز

مجید مجیدی، جشنواره وینز

مجید مجیدی، جشنواره وینز

مجید مجیدی، جشنواره وینز

مجید مجیدی، جشنواره وینز

مجید مجیدی، جشنواره وینز

مجید مجیدی، جشنواره وینز

مجید مجیدی، جشنواره وینز

مجید مجیدی، جشنواره وینز

مجید مجیدی، جشنواره وینز

مجید مجیدی، جشنواره وینز

مجید مجیدی، جشنواره وینز

مجید مجیدی، جشنواره وینز

مجید مجیدی، جشنواره وینز

مجید مجیدی، جشنواره وینز

مجید مجیدی، جشنواره وینز

مجید مجیدی، جشنواره وینز

مجید مجیدی، جشنواره وینز

مجید مجیدی، جشنواره وینز

مجید مجیدی، جشنواره وینز

مجید مجیدی، جشنواره وینز

مجید مجیدی، جشنواره وینز

مجید مجیدی، جشنواره وینز

مجید مجیدی، جشنواره وینز

مجید مجیدی، جشنواره وینز

مجید مجیدی، جشنواره وینز

مجید مجیدی، جشنواره وینز

مجید مجیدی، جشنواره وینز

مجید مجیدی، جشنواره وینز

مجید مجیدی، جشنواره وینز

مجید مجیدی، جشنواره وینز

مجید مجیدی، جشنواره وینز

مجید مجیدی، جشنواره وینز

مجید مجیدی، جشنواره وینز

مجید مجیدی، جشنواره وینز

مجید مجیدی، جشنواره وینز

مجید مجیدی، جشنواره وینز

مجید مجیدی، جشنواره وینز

مجید مجیدی، جشنواره وینز

مجید مجیدی، جشنواره وینز

مجید مجیدی، جشنواره وینز

مجید مجیدی، جشنواره وینز

مجید مجیدی، جشنواره وینز

مجید مجیدی، جشنواره وینز

مجید مجیدی، جشنواره وینز

مجید مجیدی، جشنواره وینز

مجید مجیدی، جشنواره وینز

مجید مجیدی، جشنواره وینز

مجید مجیدی، جشنواره وینز

مجید مجیدی، جشنواره وینز

مجید مجیدی، جشنواره وینز

مجید مجیدی، جشنواره وینز

مجید مجیدی، جشنواره وینز

مجید مجیدی، جشنواره وینز

مجید مجیدی، جشنواره وینز

مجید مجیدی، جشنواره وینز

مجید مجیدی، جشنواره وینز

مجید مجیدی، جشنواره وینز

مجید مجیدی، جشنواره وینز

مجید مجیدی، جشنواره وینز

مجید مجیدی، جشنواره وینز

مجید مجیدی، جشنواره وینز

مجید مجیدی، جشنواره وینز

مجید مجیدی، جشنواره وینز

مجید مجیدی، جشنواره وینز